

دعای عرفه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ

ستایش خاص خدایی است که نیست برای قضا و حکمش جلوگیری و نه برای عطا و بخششش مانعی
و لَا كَصُنْعِهِ صُنْعٌ صَانِعٍ وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ
و نه مانند ساخته‌اش ساخته هیچ سازنده‌ای و او است بخشنده وسعت ده که آفرید انواع گوناگون
پدیده‌ها را

وَاتَّقِنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ

و به حکمت خویش محکم ساخت مصنوعات را طلایه‌ها (ی عالم وجود) بر او مخفی نیست و امانتها در
نزد او ضایع نشود

جَازِي كُلِّ صَانِعٍ وَ رَائِي كُلِّ قَانِعٍ وَ رَاحِمٍ كُلِّ ضَارِعٍ

پاداش‌دهنده عمل هر سازنده و سامان‌دهنده زندگی هر قناعت‌پیشه و مهربان نسبت به هر نالان،
و مُنْزِلُ الْمَنَافِعِ وَ الْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ
فرو فرستنده هر سود و بهره و آن کتاب جامع که فرستادش بوسیله نور آن نور درخشان و او است که
دعاها را شنواست

وَلِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ

و گرفتاریها را برطرف کند و درجات را بالا برد و گردنکشان را ریشه‌کن سازد
فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَ لَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ

پس معبودی جز او نیست و چیزی با او برابری نکند و چیزی همانندش نیست

وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و او شنواست و بینا و دقیق و آگاه و او بر هر چیز توانا است

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَرْغَبُ اِلَيْكَ وَ اَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ مُقَرَّآ بِاَنَّكَ رَبِّیْ وَ اِلَيْكَ مَرَدِّیْ

خدایا من بسوی تو اشتیاق دارم و به پروردگاری تو گواهی دهم اقرار دارم به اینکه تو پروردگار منی
و بسوی تو است بازگشت من

اِبْتَدَأْتَنِيْ بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ اَنْ اَكُوْنَ شَيْئًا مَّذْكُورًا وَ خَلَقْتَنِيْ مِنَ التُّرَابِ

آغاز کردی وجود مرا به رحمت خود پیش از آنکه باشم چیز قابل ذکر و مرا از خاک آفریدی

ثُمَّ اَسْكَنْتَنِيْ الْاَصْلَابَ اَمِنًا لِّرَيْبِ الْمُنُونِ وَ اخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَ السِّنِّينِ

آنگاه در میان صلبها جایم دادی و ایمنم ساختی از حوادث زمانه و تغییرات روزگار و سالها

فَلَمَّ اَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ صُلْبِ اِلٰی رَحِمٍ فِی تَقَادُمٍ مِنَ الْاَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَ الْقُرُونِ الْخَالِيَةِ

و همچنان همواره از صلبی به رحمی کوچ کردم در ایام قدیم و گذشته و قرنهای پیشین

لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي وَ لَطْفِكَ لِي وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلِهِ أَيْمَهُ الْكُفْرِ

و از روی مهر و رأفتی که به من داشتی و احسانت نسبت به من مرا به جهان نیلوردی در دوران حکومت پیشوایان کفر

الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ

آنان که پیمان تو را شکستند و فرستادگانت را تکذیب کردند

لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي وَ فِيهِ أَنْشَأْتَنِي

ولی در زمانی مرا بدنیا آوردی که پیش از آن در علمت گذشته بود از هدایتی که اسبابش را برایم مهیا فرمودی و در آن مرا نشو و نما دادی

وَ مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رُوِّفْتَ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَ سَوَابِغِ نِعَمِكَ

و پیش از این نیز به من مهر ورزیدی بوسیله رفتار نیکویت و نعمتهای شایانت

فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيَّيْكُمْ وَ أَسَكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَ دَمٍ وَ جِلْدٍ

که پدید آوردی خلقتم را از منی ریخته شده و جایم دادی در سه پرده تاریکی (مشیمه و رحم و شکم) میان گوشت و خون و پوست

لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي وَ لَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئاً مِنْ أَمْرِي

و گواهم نساختی در خلقتم و واگذار نکردی به من چیزی از کار خودم را

ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَامَماً سَوِيّاً

سپس بیرونم آوردی بدانچه در علمت گذشته بود از هدایتم بسوی دنیا خلقتی تمام و درست

وَ حَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِيّاً وَ رَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَناً مَرِيّاً

و در حال طفولیت و خردسالی در گهواره محافظتم کردی و روزیم دادی از غذاها شیری گوارا

وَ عَظَّمْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ وَ كَفَلْتَنِي الْأُمّهَاتِ الرَّوَاحِمَ

و دل پرستاران را بر من مهربان کردی و عهده‌دار پرستاریم کردی مادران مهربان را

وَ كَلَّاتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ وَ سَلَّمْتَنِي مِنَ الزَّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ

و از آسیب جنیان نگهداریم کردی و از زیادی و نقصان سالمم داشتی پس برتری تو ای مهربان و ای بخشاینده

حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَيْتُ نَاطِقاً بِالْكَلامِ أَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْإِنْعَامِ

تا آنگاه که لب به سخن گشودم و تمام کردی بر من نعمتهای شایانت را

وَ رَبَّيْتَنِي زَائِداً فِي كُلِّ عَامٍ حَتَّى إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي وَ اعْتَدَلَتْ مِرَّتِي

و پرورشم دادی هرساله زیادت‌تر از سال پیش تا آنگاه که خلقتم کامل شد و تاب و توانم به حد اعتدال رسید

أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأَنْ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ وَ رَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ

واجب کردی بر من حجت خود را بدین ترتیب که معرفت خود را به من الهام فرمودی و بوسیله عجایب حکمتت به هراسم انداختی

وَ اَيَقْظَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَ اَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ

و بیدارم کردی بدانچه آفریدی در آسمان و زمینت از پدیده‌های آفرینشت

وَ نَبَهَّنِي لِشُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ وَ اَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَ عِبَادَتَكَ

و آگاهم کردی به سپاسگزاری و ذکر خودت و اطاعت و عبادت را بر من واجب کردی

وَ فَهَمَّتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ وَ يَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ

و آنچه رسولانت آورده بودند به من فهماندی و پذیرفتن موجبات خوشنودیت را برایم آسان کردی

وَ مَنَنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَ لُطْفِكَ

و در تمام اینها به یاری و لطف خود بر من منت نهادی

ثُمَّ اِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ التُّرَى لَمْ تَرْضَ لِي يَا اِلٰهِي

سپس به اینکه مرا از بهترین خاکها آفریدی راضی نشدی ای معبود من

نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى وَ رَزَقْتَنِي مِنْ اَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَ صُوفِ الرِّيشِ

که تنها از نعمتی برخوردار شوم و از دیگری منع کردم بلکه روزیم دادی از انواع (نعمتهای) زندگی و

اقسام لوازم کامرانی

بِمَنَّكَ الْعَظِيمِ الْاَعْظَمِ عَلَيَّ وَ اِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ اِلَيَّ

و این بواسطه آن نعمت بخشی بزرگ و بزرگتر بود بر من و آن احسان دیرینهات بود نسبت به من

حَتَّى اِذَا اَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ وَ صَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ

تا اینکه تمام نعمتها را بر من کامل کردی و تمام رنجها و بلاها را از من دور ساختی

لَمْ يَمْنَعْكَ جَهْلِي وَ جُرْأَتِي عَلَيْكَ اَنْ دَلَلْتَنِي اِلَى مَا يُقَرِّبُنِي اِلَيْكَ

باز هم نادانی و دلیری من بر من جلوگیری نداشت از اینکه راهنماییم کردی بدانچه مرا به تو نزدیک کند

وَ وَفَّقْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ فَاِنْ دَعَوْتُكَ اَجَبْتَنِي

و موفقم داشتی بدانچه مرا به درگاهت مقرب سازد که اگر بخوانمت پاسخم دهی

وَ اِنْ سَأَلْتُكَ اَعْطَيْتَنِي وَ اِنْ اَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي وَ اِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي

و اگر بخواهم از تو به من عطا کنی و اگر اطاعتت کنم قدردانی کنی و اگر سپاسگزاریت کنم بر من

بیفزایی

كُلُّ ذَلِكَ اِكْمَالٌ لِانْعَمِكَ عَلَيَّ وَ اِحْسَانِكَ اِلَيَّ فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِيٍّ

و همه اینها برای کامل ساختن نعمتهای تو است بر من و احسانی است که نسبت به من داری پس

منزهی تو، منزّه از آن رو که آغازنده نعمتی

مُعِيدٍ حَمِيدٍ مَجِيدٍ تَقَدَّسَتْ اَسْمَاؤُكَ وَ عَظُمَتْ الْاَوْكَ

و بازگرداننده و ستوده و بزرگواری بسی پاکیزه است نامهای تو و بزرگ است نعمتهای تو

فَاعَى نِعْمِكَ يَا اِلٰهِي اُحْصِي عَدَدًا وَ ذِكْرًا اَمْ اَيُّ عَطَايَاكَ اَعْقُومُ بِهَا شُكْرًا

پس ای معبود من کدامیک از نعمتهایت را بشماره درآورده و یاد کنم یا برای کدامیک از

عطاهايت به سپاسگزاری اقدام کنم

و هِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُّونَ أَوْ يَنْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ

در صورتی که آنها ای پروردگار من بیش از آن است که حسابگران بتوانند آنها را بشمارند یا دانش
حافظان بدانها رسد

ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَدَرَأْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَاءِ أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَاءِ
سپس ای خدا آنچه را از سختی و گرفتاری از من دور کرده و باز داشتی بیشتر بوده از آنچه برایم آشکار
شد از تندرستی و خوشی

و أَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيْمَانِي وَعَقْدِ عَزَمَاتٍ يَقِينِي

و من گواهی دهم خدایا به حقیقت ایمان خودم و بدانچه تصمیمات یقینم بدان بسته است

وَ خَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي وَ بَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي

و توحید خالص و بی شائبه خود و درون سرپوشیده نهادم

وَ عَلَائِقِ مَجَارِي نُورِ بَصَرِي وَ أَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي

و رشته‌های دید نور چشمانم و خطوط صفحه پیشانیم

وَ خُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي وَ خَذَارِيفِ مَارِنِ عِرْنِينِي وَ مَسَارِبِ سِمَاخِ سَمْعِي

و رخنه‌های راه‌های تنفسم و پرده‌های نرمه بینیم و راه‌های پرده گوشم

وَ مَا ضُمَّتْ وَ أَطْبَقَتْ عَلَيْهِ شَفَتَايَ وَ حَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي

و آنچه بچسبد و روی هم قرار گیرد بر آن دو لبم و حرکت‌های تلفظ زبانم

وَ مَغْرَزِ حَنْكِ قَمِي وَ فَكِّي وَ مَنَابِتِ أَضْرَاسِي وَ مَسَاغِ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي

و محل پیوست کام (فک بالای) دهان و آرواره‌ام و محل بیرون آمدن دندان‌هایم و محل
چشیدن خوراک و آشامیدنی‌هایم

وَ حِمَالِهِ أُمِّ رَأْعَسِي وَ بُلُوعِ فَارِغِ حَبَائِلِ غُنْقِي وَ مَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي

و رشته و عصب مغز سرم و لوله (حلق) متصل به رگهای گردنم و آنچه در برگرفته آن را قفسه سینه‌ام

وَ حَمَائِلِ حَبْلِ وَ تِنِي وَ نِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي وَ اَعْقِلَادِ حَوَاشِي كَبْدِي

و رشته‌های رگ قلبم و شاه‌رگ پرده دلم و پاره‌های گوشه و کنار جگر

وَ مَا حَوْتُهُ شَرَّاسِيفُ أَضْلَاعِي وَ حِقَاقُ مَفَاصِلِي

و آنچه را در بردارد استخوان‌های دنده‌هایم و سربندهای استخوان‌هایم

وَ قَبْضُ عَوَامِلِي وَ أَطْرَافِ أَنَامِلِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ شَعْرِي وَ بَشْرِي

و انقباض عضلات بدنم و اطراف سر انگشتانم و گوشتم و خونم و موی بدنم و بشره پوستم

وَ عَصَبِي وَ قَصَبِي وَ عِظَامِي وَ مُخِّي وَ عُرُوقِي وَ جَمِيعُ جَوَارِحِي

و عصبم و ساقم و استخوانم و مغزم و رگ‌هایم و تمام اعضاء و جوارحم

وَ مَا انْتَسَجَ عَلَى ذَلِكَ أَيَّامَ رِضَاعِي وَ مَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي

و آنچه بر اینها بافته شده از دوران شیرخوارگی و آنچه را زمین از من بر خود گرفته

وَ نَوْمِي وَ يَقْظَتِي وَ سُكُونِي وَ حَرَكَاتِ رُكُوعِي وَ سُجُودِي

و خوابم و بیداریم و آرمیدنم و حرکتهای رکوع و سجود من (گواهی دهم)

أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عُمِرْتُهَا

که اگر تصمیم بگیرم و بکوشم در طول قرون و اعصار بر فرض که چنین عمری بکنم

أَنْ أَوْدَى شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعُمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنْنِكَ الْمَوْجِبِ عَلَيَّ

و بخواهم شکر یکی از نعمتهای تو را بجا آورم نخواهم توانست جز به لطف خود که آن خود واجب کند

بر من

بِهِ شُكْرُكَ أَبَدًا جَدِيدًا وَ ثَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا أَجَلُ وَ لَوْ حَرَصْتُ

سپاسگزاری را دوباره از نو و موجب ستایشی تازه و ریشه‌دار گردد آری و اگر حریص باشم

أَنَا وَ الْعَادُونَ مِنْ أَنْامِكَ أَعَنْ نُحْصِي مَدَى إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَ آتِيهِ

من و حسابگران از مخلوقات که بخواهیم اندازه نعمت بخشیهایی تو را از گذشته و آینده

مَا حَصَرْنَاهُ عَدَدًا وَ لَا أَحْصَيْنَاهُ أَمَدًا هَيْهَاتَ أَعْنَى ذَلِكَ وَ أَنْتَ الْمُخْبِرُ

به حساب درآوریم نتوانیم بشماره درآوریم و نه از نظر زمان و اندازه آنرا احصاء کنیم ! هیهات ! کجا

چنین چیزی میسر است

فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ وَ النَّبَاءِ الصَّادِقِ وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا

و تو خود در کتاب گویا و خبر راست و درستت خبر داده‌ای که ((اگر بشمارید نعمت خدا را احصاء

نتوانید کرد))

صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَ أَنْبَاؤُكَ وَ بَلَّغْتَ أَنْبِيَائُكَ وَ رُسُلُكَ مَا أَنْزَلْتَ

خدایا کتاب تو و خبری که دادی راست است و رساندند پیامبران و رسولانت هرچه را بر ایشان از

وحی خویش فرو فرستادی

عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ وَ شَرَعْتَ لَهُمْ وَ بَيَّهْتَ مِنْ دِينِكَ غَيْرَ أَعْنَى يَا إِلَهِي

و آنچه را تشریع کردی برای آنها و بوسیله آنها از دین و آیین خود جز اینکه معبودا

أَشْهَدُ بِجُهِدِي وَ جِدِّي وَ مَبْلَغِ طَاعَتِي وَ وَسْعِي

من گواهی دهم به سعی و کوشش من و به اندازه رسائی طاعت و وسعم

وَ أَعْقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونَ مَوْرُوثًا

و از روی ایمان و یقین می‌گویم ستایش خدایی را سزااست که نگیرد فرزندی تا از او ارث برند

وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ وَ لَا وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ فَيُرْفِدُهُ فِيمَا صَنَعَ

و نیست برایش شریکی در فرمانروایی تا با او ضدیت کنند در آنچه پدید آورد و نه نگهداری از خواری

دارد تا کمکش کند در آنچه بوجود آورد

فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ لَوْ كَانَ فِيهِمَا إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَ تَفَطَّرَتَا

پس منزّه باد منزّه که اگر بود در آسمان و زمین خدایانی جز او هر دو تباه می‌شدند و از هم متلاشی

می‌گشتند

سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

منزه است خدای یگانه یکتای بی‌نیازی که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و نیست برایش همتایی هیچکس

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ اَنْبِيَآئِهِ الْمُرْسَلِينَ

ستایش خدای را است ستایشی که برابر ستایش فرشتگان مقرب او و پیمبران مرسلش باشد

و صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

و درود خدا بر بهترین خلقش محمد خاتم پیمبران

و آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَ سَلَّمَ

و آل پاک و پاکیزه و خالص او باد و سلام

پس شروع فرمود آن حضرت در سؤال و اهتمام نمود در دُعا و آب از دیده‌های مبارکش جاری بود، پس گفت:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ اَخْشَاكَ كَانِيْ اَرَاكَ وَ اَسْئِدْنِيْ بِتَقْوِيْكَ وَ لَا تُشْقِنِيْ بِمَعْصِيَّتِكَ

خدایا چنانم ترسان خودت کن که گویا می‌بینمت و به پرهیزکاری از خویش خوشبختم گردان و به واسطه نافرمانیت بدبختم مکن

وَ خِرْلِيْ فِيْ قَضَائِكَ وَ بَارِكْ لِيْ فِيْ قَدَرِكَ

و در سرنوشت خود خیر برایم مقدر کن و مقدراتت را برایم مبارک گردان

حَتّٰى لَا اَعْجِبَ تَعْجِيْلًا مَا اَخَّرْتَ وَ لَا تَاْخِيْرًا مَا عَجَّلْتَ

تا چنان نباشم که تعجیل آنچه را تو پس انداخته‌ای بخواهم و نه تأخیر آنچه را تو پیش انداخته‌ای

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِيْ نَفْسِيْ وَ اَلْيَقِيْنَ فِيْ قَلْبِيْ وَ الْاِخْلَاصَ فِيْ عَمَلِيْ وَ النُّوْرَ فِيْ بَصَرِيْ وَ

اَلْبَصِيْرَةَ فِيْ دِيْنِيْ

خدایا قرار ده بی‌نیازی در نفس من و یقین در دلم و اخلاص در کردارم و روشنی در دیده‌ام و بینایی در دینم

وَ مَتَّعْنِيْ بِجَوَارِحِيْ وَ اجْعَلْ سَمْعِيْ وَ بَصَرِيْ الْوَارِثَيْنِ مِنِّيْ

و مرا از اعضاء و جوارحم بهره‌مند کن و گوش و چشم مرا وارث من گردان (که تا دم مرگ بسلامت باشند)

وَ اَنْصُرْنِيْ عَلٰى مَنْ ظَلَمْنِيْ وَ اَرِنِيْ فِيْهِ ثَارِيْ وَ مَاعْرِبِيْ وَ اَقِرَّ بِذَلِكَ عَيْنِيْ

و یاریم ده بر آن کس که به من ستم کرده و انتقام گیری مرا و آرزویم را درباره‌اش به من بنمایان و دیده‌ام را در این باره روشن کن

اَللّٰهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِيْ وَ اسْتُرْ عَوْرَتِيْ وَ اغْفِرْ لِيْ خَطِيْئَتِيْ

خدایا محنتم را برطرف کن و زشتی‌هایم بپوشان و خطایم بیامرز

وَ اخْصَأْ شَيْطَانِيْ وَ فَكِّ رِهَانِيْ

و شیطان و اهریمنم را از من بران و ذمه‌ام را از گرو برهان
وَ اجْعَلْ لِي يَا اِلٰهِي الدَّرَجَةَ اَتَعْلٰی فِی الْاٰخِرَةِ وَ الْاَوَّلٰی

و قرار ده خدایا برای من درجه والا در آخرت و در دنیا

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِيْ فَجَعَلْتَنِيْ سَمِیْعًا بَصِیْرًا

خدایا حمد تو را است که مرا آفریدی و شنوا و بینا قرارم دادی

وَ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِيْ فَجَعَلْتَنِيْ خَلْقًا سَوِیًّا رَّحْمَةً بِّیْ

و ستایش تو را است که مرا آفریدی و از روی مهری که به من داشتی خلقتم را نیکو آراستی

وَ قَدْ كُنْتُ عَنْ خَلْقِيْ غَیْبًا رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِيْ فَعَدَلْتَ فِطْرَتِيْ

در صورتیکه تو از خلقت من بی‌نیاز بودی پروردگارا به آنطور که مرا پدیدآوردی و در خلقتم اعتدال بکار

بردی

رَبِّ بِمَا اَنْشَأْتَنِيْ فَاَحْسَنْتَ صُوْرَتِيْ رَبِّ بِمَا اَحْسَنْتَ اِلَیَّ وَ فِیْ نَفْسِيْ عَافِيَّتِيْ

پروردگارا به آنطور که بوجودم آوردی و صورتم را نیکو کردی پروردگارا به آنطور که به من احسان

کردی و عافیتم دادی

رَبِّ بِمَا كَلَّاتَنِيْ وَ وَقَفْتَنِيْ رَبِّ بِمَا اَنْعَمْتَ عَلَیَّ فَهَدَيْتَنِيْ

پروردگارا آنچنانکه مرا محافظت کردی و موفقم داشتی پروردگارا آنچنانکه بر من انعام کرده و هدایتم

فرمودی

رَبِّ بِمَا اَوْثَقْتَنِيْ وَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَعْطَيْتَنِيْ

پروردگارا چنانچه مرا مورد احسان قرار داده و از هر خیری به من عطا کردی

رَبِّ بِمَا اطْعَمْتَنِيْ وَ سَقَيْتَنِيْ رَبِّ بِمَا اَغْنَيْتَنِيْ وَ اَقْنَيْتَنِيْ رَبِّ بِمَا اَعَزَّزْتَنِيْ

پروردگارا آنچنانکه مرا خوراندی و نوشاندی پروردگارا آنچنانکه بی‌نیازم کردی و سرمایه‌ام

دادی پروردگارا آنچنانکه کمکم دادی و عزتم بخشیدی

رَبِّ بِمَا اَلْبَسْتَنِيْ مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِیْ وَ یَسَّرْتَ لِيْ مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِیْ

پروردگارا آنچنانکه مرا از خلعت باصفایت پوشاندی و از مصنوعات به حد کافی در اختیارم گذاردی

(چنانکه این همه انعام به من کردی)

صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَعِنِّیْ عَلٰی بَوَاقِی الدُّهُوْرِ

درود فرست بر محمد و آل محمد و کمکم ده بر پیش آمدهای ناگوار روزگار

وَ صُرُوْفِ اللِّیَالِیْ وَ الْاِیَّامِ وَ نَجِّنِیْ مِنْ اَهْوَالِ الدُّنْیَا وَ كُرْبَاتِ الْاٰخِرَةِ

و کشمکش‌های شبها و روزها و از هراسهای دنیا و اندوههای آخرت نجاتم ده

وَ اَكْفِنِیْ شَرَّ مَا یَعْمَلُ الظَّالِمُوْنَ فِی الْاَرْضِ

و از شر آنچه ستمگران در زمین انجام دهند مرا کفایت فرما

اَللّٰهُمَّ مَا اَخَافُ فَاَكْفِنِیْ وَ مَا اَحْذَرُ فَقِّنِیْ وَ فِیْ نَفْسِيْ وَ دِیْنِيْ فَاخْرُسْنِیْ

خدایا از آنچه می‌ترسم کفایتم کن و از آنچه برحذرَم، نگاهم دار و خودم و دینم را حفظ کن

وَفِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي وَفِي أَهْلِي وَمَالِي فَاخْلُفْنِي وَفِي مَا رَزَقْتَنِي فَابَارِكْ لِي

و در سفر محافظتم کن و در خانواده و مالم جانشین من باش و در آنچه روزیم کرده‌ای برکت ده

وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي وَمِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي

و مرا در پیش خودم خوار کن و در چشم مردم بزرگم کن و از شر جن و انس بسلامتم بدار

وَبِذُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي وَبِسِرِّي فَلَا تُخْرِنِي

و به گناهان رسوایم مکن و به اندیشه‌های باطنم سرافکنده‌ام مکن

وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلْنِي وَنِعْمَتِكَ فَلَا تَسْلُبْنِي وَإِلَى غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي

و به کردارم دچارم مساز و نعمت‌هایت را از من مگیر و بجز خودت به دیگری واگذارم مکن

إِلَهِي إِلِي مَنْ تَكِلْنِي إِلَيَّ قَرِيبٍ فَيَقْطَعُنِي أَمْ إِلَيَّ بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمُنِي

خدایا به که واگذارم می‌کنی آیا به خویشاوندی که از من ببرد یا بیگانه‌ای که مرا از خود دور کند

أَمْ إِلَيَّ الْمُسْتَضَعْفِينَ لِي وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكَ أَمْرِي أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي وَبُعْدَ دَارِي

یا به کسانی که خوارم شمرند و تویی پروردگار من و زمامدار کار من بسوی تو شکایت آرم از غربت خود

و دوری خانه‌ام

وَهَوَانِي عَلَيَّ مَنْ مَلَكَتْهُ أَمْرِي إِلَهِي فَلَا تُخْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ

و خواریم نزد کسی که زمامدار کار من کردی خدایا پس خشم خود را بر من مبار

فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي

و اگر بر من خشم نکرده باشی باکی ندارم - منزهی تو - جز اینکه در عین حال عافیت تو وسیعتر است

برای من

فَاسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَوَاتُ

پس از تو خواهم پروردگارا به نور ذاتت که روشن شد بدان

وَكَشَفْتَ بِهِ الظُّلُمَاتُ وَصَلَحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

زمین و آسمانها و برطرف شد بدان تاریکیها و اصلاح شد بدان کار اولین و آخرین

أَنْ لَا تُمِيتَنِي عَلَى غَضَبِكَ وَلَا تُنْزِلْ بِي سَخَطَكَ

که مرا بر حال غضب خویش نمیرانی و خشم را بر من نازل مفرمایی

لَكَ الْعُتْبَى لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ

مؤاخذه و بازخواست حق تو است تا گاهی که پیش از آن راضی شوی

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ

معبودی جز تو نیست که پروردگار شهر محترم و مشعر الحرام و خانه کعبه‌ای

الَّذِي أَحْلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا

آن خانه‌ای که برکت را بدان نازل کردی و آنرا برای مردمان خانه امنی قرار دادی

يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ

ای کسی که از گناهان بزرگ به بردباری خود درگذری

يَا مَنْ أَسْبَغَ النَّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ

ای که نعمتها را به فضل خود فراوان گردانی ای که عطایای شایان را به کرم خود بدهی
یا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي يَا وَلِيَّتِي فِي نِعْمَتِي
ای ذخیره‌ام در سختی ای رفیق و همدم در تنهایی ای فریادرس من در گرفتاری ای ولی من در
نعمتم

يَا إِلَهِي وَإِلَهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ

ای معبود من و معبود پدرانم ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب
و رَبِّ جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَرَبِّ مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَإِلَهِ الْمُتَنَجِّينَ
و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و پروردگار محمد خاتم پیامبران و آل برگزیده‌اش
و مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ
و فرو فرستنده تورات و انجیل و زبور و قرآن

و مُنْزِلَ كَهَيْعَتِ طِهٍ وَ يَسٍّ وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ

و نازل کننده کهیعت طه و یس و قرآن حکمت آموز))
أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُغَيِّنِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا وَ تَضِيقُ بِي الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا
تویی پناه من هنگامی که درمانده‌ام کنند راه‌ها با همه وسعتی که دارند و زمین بر من تنگ گیرد با
همه پهناوریش

و لَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَأَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي

و اگر نبود رحمت تو بطور حتم من هلاک شده بودم و تویی نادیده گیر لغزشم

و لَوْلَا سِتْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ

و اگر پرده پوشی تو نبود مسلماً من از رسوا شدگان بودم

و أَنْتَ مُوَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي وَ لَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ

و تویی که به یاری خود مرا بر دشمنانم یاری دهی و اگر نبود یاری تو من مغلوب شده بودم

يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَ الرَّفْعَةِ فَأَوْلِيًّا لَهُ بَعْزُهُ يَعْتَرُونَ

ای که مخصوص کرده خود را به بلندی و برتری و دوستانش بوسیله عزت او عزت یابند

يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ

ای که پادشاهان در برابرش طوق خواری به گردن گذارند و آنها از سطوتش ترسانند

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَ غَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمِنَةُ وَ الدُّهُورُ

می‌داند حرکت (یا خیانت) چشمها و آنچه را سینه‌ها پنهان کنند و حوادثی که در کمون زمانها و
روزگارها است

يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَا يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَا يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَا

ای که نداند چگونه او را جز خود او ای که نداند چیست او جز او ای که نداند او را جز خود او

يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ

ای که زمین را بر آب فرو بُردی و هوا را به آسمان بستی
يَا مَنْ لَهُ اَكْرَمُ السَّمَاوَاتِ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقُطُ اَبَدًا
 ای که گرامی‌ترین نامها از او است ای دارنده احسانی که هرگز قطع نشود
يَا مُقَيِّضَ الرِّكَبِ لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ
 ای گمارنده کاروان برای نجات یوسف در آن جای بی آب و علف
وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا
 و بیرون آورنده‌اش از چاه و رساننده‌اش به پادشاهی پس از بندگی
يَا رَادَّةً عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ اَنْ اَيُّضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزَنِ فَهُوَ كَظِيمٌ
 ای که او را برگرداندی به یعقوب پس از آنکه دیدگانش از اندوه سفید شده بود و آکنده از غم بود
يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْبَلَوِ عَنْ أَيُّوبَ
 ای برطرف کننده سختی و گرفتاری از ایوب
وَمُمْسِكِ يَدَيَّ اِبْرَاهِيمَ عَنِ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِهِ وَفَنَاءِ عُمُرِهِ
 و ای نگهدارنده دستهای ابراهیم از ذبح پسرش پس از سن پیری و بسرآمدن عمرش
يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِرُكْرِيَا فَوَهَّبَ لَهُ يَحْيٰى وَ لَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا وَحِيدًا
 ای که دعای زکریا را به اجابت رساندی و یحیی را به او بخشیدی و او را تنها و بی کس وامگذاردی
يَا مَنْ اَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ
 ای که بیرون آورد یونس را از شکم ماهی
يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي اِسْرَآئِيلَ فَاَنْجَاهُمْ وَ جَعَلَ فِرْعَوْنَ وَ جُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقِينَ
 ای که شکافت دریا را برای بنی‌اسرائیل و (از فرعونیان) نجاتشان داد و فرعون و لشکریانش را غرق کرد
يَا مَنْ اَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيَّ رَحْمَتِهِ
 ای که فرستاد بادها را نوید دهندگانی پیشاپیش آمدن رحمتش
يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ
 ای که شتاب نکند بر (عذاب) نافرمانان از خلق خود
يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ وَقَدْ غَدَوْا فِي نِعْمَتَيْهَا كُلُّونَ
 ای که نجات بخشید ساحران (فرعون) را پس از سالها انکار (و کفر) و چنان بودند که متنعم به نعمتهای خدا بودند
رِزْقَهُ وَ يَعْبُدُونَ غَيْرَهُ وَ قَدْ حَادَّوْهُ وَ نَادَّوْهُ وَ كَذَّبُوا رُسُلَهُ
 که روزیش را می‌خوردند ولی پرستش دیگری را می‌کردند و با خدا دشمنی و ضدیت داشتند و رسولانش را تکذیب می‌کردند
يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا بَدِيَّ يَا بَدِيْعُ لَا نِدَّكَ يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ
 ای خدا ای خدا ای آغازنده ای پدیدآورنده ای که همتا نداری ای جاویدانی که زوال نداری
يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ يَا مُخَيِّ الْمَوْتِ يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ

ای زنده در آنگاه که زنده‌ای نبود ای زنده کن مردگان ای که مراقبت داری بر هر کس بدانچه انجام داده
يَا مَنْ قُلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَ عَظُمَتْ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي
 ای که سپاسگزاری من برایش اندک است ولی محرومم نکند و خطایم بزرگ است ولی رسوایم نکند
وَرَانِي عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِغَرِي يَا مَنْ رَزَقَنِي
 و مرا بر نافرمانی خویش بیند ولی پرده‌ام ندرد ای که مرا در کودکی محافظت کردی ای که در
 بزرگی روزیم دادی

فِي كِبَرِي يَا مَنْ آيَادِهِ عِنْدِي لَا تُخْصِي وَ نِعْمُهُ لَا تُجَازِي
 ای که اندازه مرحمت‌هایی که به من کردی بشماره نیاید و نعمت‌هایش را تلافی ممکن نباشد
يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَ الْإِحْسَانِ وَ عَارَضْتُهُ بِالْأَسَاءَةِ وَ الْعِصْيَانِ
 ای که روبرو شد با من به نیکی و احسان ولی من با او به بدی و گناه روبرو شدم
يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِمْتِنَانِ
 ای که مرا به ایمان هدایت کرد پیش از آنکه بشناسم طریقه سپاسگزاری نعمتش را
يَا مَنْ دَعَاؤُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي وَ غُرِيَانًا فَكَسَانِي وَ جَائِعًا فَاشْبَعَنِي
 ای که خواندمش در حال بیماری و او شفایم داد و در برهنگی و او مرا پوشاند و در گرسنگی و او
 سیرم کرد

وَ عَطَّشَانًا فَارَوَانِي وَ ذَلِيلًا فَاعَزَّنِي وَ جَاهِلًا فَعَرَّفَنِي وَ وَحِيدًا فَكَثَّرَنِي
 و در تشنگی و او سیرابم کرد و در خواری و او عزتم بخشید و در نادانی و او معرفتم بخشید و در
 تنهایی و او فزونی جمعیت به من داد
وَ غَائِبًا فَرَدَّتْنِي وَ مُقْلًا فَاعَانَنِي وَ مُتَّصِرًا فَنَصَرَنِي وَ غَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي
 و در دوری از وطن و او بازم گرداند و در نداری و او دارایم کرد و در کمک خواهی و او یاریم داد
 و در ثروتمندی و او از من سلب نفرمود

وَ اَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ
 و (هنگامی که) از همه این خواسته‌ها دم بستم تو آغاز کردی پس از آن تو است حمد و سپاس
يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي وَ نَفَّسَ كُرْبَتِي وَ أَجَابَ دَعْوَتِي وَ سَتَرَ عَوْرَتِي وَ غَفَرَ ذُنُوبِي
 ای که لغزشم را نادیده گرفت و گرفتگی را از من دور کرد و دعایم را اجابت فرمود و عیبم را پوشاند و
 گناهانم را آمرزید

وَ بَلَّغَنِي طَلِبَتِي وَ نَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي وَ إِنِ اعْدَدَ نِعْمَكَ
 و به خواسته‌ام رسانید و بر دشمنم یاری داد و اگر بخواهم نعمتها
وَ مِنْكَ وَ كَرَاهِمَ مِنْحِكَ لَا أَحْصِيهَا يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ
 و عطاها و مراحم بزرگ تو را بشمارم نتوانم ای مولای من این تویی که منت نهادی
أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ

و این تویی که نعمت دادی این تویی که احسان فرمودی این تویی که نیکی کردی این تویی که فزونی بخشیدی

أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ أَنْتَ الَّذِي وَقَفْتَ

این تویی که کامل کردی این تویی که روزی دادی این تویی که توفیق دادی

أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَفْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَوْيْتَ

این تویی که عطا کردی این تویی که بی نیاز کردی این تویی که ثروت بخشیدی این تویی که مأوی دادی

أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ

این تویی که کفایت کردی این تویی که هدایت کردی این تویی که نگهداشتی این تویی که پوشاندی

أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ

این تویی که آمرزیدی این تویی که نادیده گرفتی این تویی که قدرت و چیرگی دادی

أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَ أَنْتَ الَّذِي عَصَدْتَ

این تویی که عزت بخشیدی این تویی که کمک کردی این تویی که پشتیبانی کردی

أَنْتَ الَّذِي آيَدْتَ أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ

این تویی که تأیید کردی این تویی که یاری کردی این تویی که شفا دادی این تویی که عافیت دادی

أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ فَلكَ الْحَمْدُ دَائِمًا وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا

این تویی که اکرام کردی بزرگی و برتری از تو است و ستایش همیشه مخصوص تو است و سپاسگزاری دائمی و جاوید از آن تو است

ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَأَغْفِرْهَا لِي أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ

و اما من ای معبودم کسی هستم که به گناهانم اعتراف دارم پس آنها را بیامرزش و این منم که بد کردم

أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ

این منم که خطا کردم این منم که (به بدی) همت گماشتم این منم که نادانی کردم

أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ

این منم که غفلت ورزیدم این منم که فراموش کردم این منم که (به غیر یا به خود) اعتماد کردم

أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ أَنَا الَّذِي نَكَّثْتُ أَنَا الَّذِي أَقْرَرْتُ

این منم که (به کاربرد) تعمد کردم این منم که وعده دادم و این منم که خلف وعده کردم این منم که پیمان شکنی کردم این منم که به بدی اقرار کردم

أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي وَأَبُوءُ بِذُنُوبِي فَأَغْفِرْهَا لِي

این منم که به نعمت تو بر خود و در پیش خود اعتراف دارم و با گناهانم بسویت بازگشته ام پس آنها را بیامرزش

يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنْ طَاعَتِهِمْ وَالْمُوقِّعُ مَنْ

ای که زیانش نرساند گناهان بندگان و از اطاعت ایشان بی نیازی و تو آنی که هرکس از بندگان

عَمِلَ صَالِحاً مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَ رَحْمَتِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَ سَيِّدِي

کردار شایسته‌ای انجام دهد به رحمت خویش توفیقش دهی پس تو را است ستایش ای معبود و آقای من

إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ وَنَهَيْتَنِي فَأَرْتَكَبْتُ نَهْيَكَ فَأَصْبَحْتُ لَا ذَا

خدایا به من دستور دادی و من نافرمانی کردم و نهی فرمودی ولی من نهی تو را مرتکب شدم و اکنون به حالی افتاده‌ام که

بَرَّ آءَهُ لِي فَأَعْتَذِرُ وَلَا ذَا قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرُ فَبِأَيِّ شَيْءٍ أَسْتَقْبِلُكَ يَا

نه وسیله تبرئه‌ای دارم که پوزش خواهم و نه نیرویی دارم که بدان یاری گیرم پس به چه وسیله با تو روبرو شوم

مَوْلَايَ اِبْسَمْعِي اَمْ بِبَصَرِي اَمْ بِلِسَانِي اَمْ بِيَدِي اَمْ بِرِجْلِي اَلَيْسَ

ای مولای من آیا به گوشم یا به چشمم یا به زبانم یا به دستم یا به پایم آیا

كُلُّهَا نِعْمَتِكَ عِنْدِي وَ بِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ فَلَكَ الْحُجَّةُ وَ السَّبِيلُ

همه اینها نعمتهای تو نیست که در پیش من بود و با همه آنها تو را معصیت کردم ای مولای من پس تو حجت و راه مو اخذ

عَلَيَّ يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْاَبَاءِ وَ الْاُمَّهَاتِ اَنْ يَزْجُرُونِي وَ مِنْ

بر من داری ای که مرا پوشاندی از پدران و مادران که مرا از نزد خود برانند و از

الْعَشَائِرِ وَ الْاِخْوَانِ اَنْ يُعَيِّرُونِي وَ مِنْ السَّلَاطِينِ اَنْ يُعَاقِبُونِي وَ لَوْ

فامیل و برادران که مرا سرزنش کنند و از سلاطین و حکومتها که مرا شکنجه کنند و اگر

اَطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا اَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي اِذَا مَا اَنْظُرُونِي

آنها مطلع بودند ای مولای من بر آنچه تو بر آن مطلعی از کار من در آن هنگام مهلتم نمی دادند

وَ لَرَفْضُونِي وَ قَطْعُونِي فَهَا اَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي

و از خود دورم می کردند و از من می بریدند و اینک خدایا این منم که در پیشگاهت ایستاده ای آقای من

خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَقِيرٌ لَا ذُو بَرٍّ اَنْتَهُ فَأَعْتَذِرُ وَ لَا ذُو قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرُ

با حال خضوع و خواری و درماندگی و کوچکی نه وسیله تبرئه جویی دارم که پوزش طلبم و نه نیرویی که یاری جویم

وَ لَا حُجَّةٍ فَاحْتِجُّ بِهَا وَ لَا قَائِلٌ لَمْ أَجْتَرِحْ وَ لَمْ أَعْمَلْ سُوءاً وَ مَا عَسَى

و نه حجت و برهانی که بدان چنگ زنم و نه می توانم بگویم که گناه نکرده‌ام و کجا می تواند انکار - فرضا که انکار کنم

الْجُحُودَ وَ لَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعْنِي كَيْفَ وَ اَنِّي ذَلِكُ وَ جَوَارِحِي

ای مولای من - سودم بخشد! چگونه ؟ و کجا؟ با اینکه تمام اعضای من

كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ وَ عَلِمْتُ يَقِيناً غَيْرَ ذِي شَكٍّ اَنَّكَ

گواهند بر من به آنچه انجام داده و به یقین می دانم و هیچگونه شک و تردیدی ندارم که تو از کارهای بزرگ از من

سَأَلْنِي مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ وَآتَكَ الْحَكْمَ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ

پرسش خواهی کرد و تویی آن داور عادلی که ستم نکند و همان عدالت

وَ عَدْلُكَ مُهْلِكِي وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي

مرا هلاک کند و از تمام عدالت تو می گریزم اگر عذابم کنی خدایا

فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ وَإِنْ تَغْفُ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ

بواسطه گناهان من است پس از آنکه حجت بر من داری و اگر از من درگذری پس به بردباری و بخشندگی و بزرگواری تو است

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از ستمکارانم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از آمرزش خواهانم معبودی جز تو نیست منزهی تو

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُوَحِّدِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ

و من از یگانه پرستانم معبودی نیست جز تو منزهی تو و من از ترسناکانم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از هراسناکانم معبودی جز تو نیست منزهی تو

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاغِبِينَ

و من از امیدوارانم معبودی نیست جز تو منزهی تو و من از مشتاقانم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلَلِينَ

معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تهلیل (لا اله الا الله) گویانم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از خواهندگانم معبودی جز تو نیست منزهی تو

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكْبَرِينَ

و من از تسبیح گویانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تکبیر (الله اکبر) گویانم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَ رَبُّ ابْنِي الْأَوَّلِينَ اللَّهُمَّ

معبودی نیست جز تو منزهی تو پروردگار من و پروردگار پدران پیشین من خدایا

هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا وَ إِخْلَاصِي لِذِكْرِكَ مُوَحِّدًا وَ إِقْرَارِي

این است ستایش من بر تو در مقام تمجید و این است اخلاص من بذکر در مقام یکتاپرستیت و اقرار من

بِالْإِتِكَ مُعَدِّدًا وَ إِن كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي لَمْ أَحْصِهَا لِكَثْرَتِهَا وَ سُبُغِهَا

به نعمت‌های در مقام شماره آنها گرچه من اقرار دارم که آنها را نتوانم بشماره درآورم از بسیاری آنها و فراوانی

و تَظَاهِرُهَا وَ تَقَادِمُهَا إِلَى حَادِثٍ مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ

و آشکاری آنها و پیشی جستن آنها از زمان پیدایش من که همواره در آن عهد مرا بوسیله آن نعمتها یادآوری می کردی

خَلَقْتَنِي وَ بَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْإِعْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ

از آن ساعت که مرا آفریدی و خلق کردی از همان ابتدای عمر که از نداری و فقر مرا به توانگری درآوردی

وَ كَشَفَ الضَّرَّ وَ تَسْبِيبَ الْإِسْرِ وَ دَفَعَ الْعُسْرَ وَ تَفْرِيجَ الْكَرْبِ وَ الْإِعْفَاءَ فِي الْبَدَنِ

و گرفتاریم برطرف کردی و اسباب آسایش مرا فراهم ساختی و سختی را دفع نموده و اندوه را زدودی و تنم را تندرست و

وَ السَّلَامَةَ فِي الدِّينِ وَ لَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدَرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعُ

دینم را بسلامت داشتی و اگر یاریم دهند به اندازه ای که نعمت را ذکر کنم تمام

الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ مَا قَدَرْتُ وَ لَاهُمْ عَلَى ذَلِكَ

جهانیان از اولین و آخرین نه من قدرت ذکرش را دارم نه آنها

تَقَدَّسَتْ وَ تَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ لَا تُحْصِي الْأَوْكَ

منزهی تو و برتری از اینکه پروردگاری هستی کریم و بزرگ و مهربان که مهر ورزی‌هایت به شماره درنیاید

وَ لَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ وَ لَا تُكَافَى نِعْمَاؤُكَ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

و ستایشت به آخر نرسد و نعمت‌هایت را تلافی نتوان کرد درود فرست بر محمد و آل محمد

وَ أَتَمِّمْ عَلَيْنَا نِعْمَكَ وَ أَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ

و کامل گردان بر ما نعمت‌هایت را و بوسیله اطاعت خویش سعادت‌مندان گردان منزهی تو معبودی جز تو نیست خدایا

إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَ تَكْشِفُ السُّوءَ وَ تُغِيثُ الْمَكْرُوبَ وَ تَشْفِي

تویی که اجابت کنی دعای درمانده را و برطرف کنی بدی را و فریادرسی کنی از گرفتار و شفا دهی

السَّقِيمَ وَ تُغْنِي الْفَقِيرَ وَ تَجْبُرُ الْكَسِيرَ وَ تَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَ تُعِينُ الْكَبِيرَ

به بیمار و بی نیاز کنی فقیر را و مرمّت کنی شکستگی را و رحم کنی به کودک خردسال و یاری دهی به پیر کهنسال

وَ لَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ وَ لَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ وَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ يَا مُطْلِقَ

و جز تو پشتیبانی نیست و نه فوق (توانایی) تو توانایی و تویی والای بزرگ ای

الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ

رهاکننده اسیر در کند و زنجیر ای روزی دهنده کودک خردسال ای پناه شخص ترسانی
الْمُسْتَجِيرِ يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
که پناه جوید ای که شریک و وزیر برای او نیست درود فرست بر محمد و آل
محمد

وَاعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَةِ أَفْضَلَ مَا أُعْطِيتَ وَأَنْتَ أَحَدًا مِنْ
و عطا کن به من در این شام بهترین چیزی را که عطا کردی و دادی به یکی از
عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُؤْتِيهَا وَالْأَعْيُنُ تُجَدِّدُهَا وَبِلَيْهِ تَصْرِفُهَا وَكَرْبُهُ تَكْشِفُهَا
بندگان چه آن نعمتی باشد که می بخشی و یا احسانهایی که تازه کنی و بلاهایی که می گردانی و غم
و اندوهی که برطرف کنی

وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا وَحَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُهَا وَسَيِّئَةٍ تَتَعَمَّدُهَا
و دعایی که اجابت کنی و کار نیکی که بپذیری و گناہانی که بیوشانی
إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مِنْ دُعَايَ
که برستی تو بهر چه خواهی دقیق و آگاهی و بر هر چیز توانایی خدایا تو نزدیکترین کسی هستی که
خوانند

وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ وَ أَكْرَمُ مَنْ عَفَى وَ أَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى وَ أَسْمَعُ
و از هرکس زودتر اجابت کنی و در گذشت از هرکس بزرگواری و در عطا بخشی عطایت از
همه وسیعتر

مَنْ سَأَلَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ رَحِمَهُمَا لَيْسَ كَمَثَلِكَ مَسْئُولٌ
و در اجابت درخواست از همه شنواتری ای بخشاینده دنیا و آخرت و مهربان آن دو برستی کسی که
مانند تو از او درخواست شود نیست

وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ دَعْوَتُكَ فَاجَبْتَنِي وَ سَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي وَ رَغِبْتُ إِلَيْكَ
و جز تو آرزو شده ای نیست خواندمت و تو اجابت کردی و درخواست کردم و تو عطا کردی و به درگاه
تو میل کردم

فَرَحِمْتَنِي وَ وَثَقْتُ بِكَ فَجَبْتَنِي وَ فَرَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي
و تو مرا مورد مهر خویش قرار دادی و به تو اعتماد کردم و تو نجاتم دادی و به درگاه تو نالیدم و تو
کفایتم کردی

اَللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ عَلَى اِلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ اَجْمَعِينَ
خدایا درود فرست بر محمد بنده و رسول و پیامبرت و بر آل پاک و پاکیزه اش همگی
وَ تَمِّمْ لَنَا نِعْمَتَكَ وَ هِنَّا عَطَاكَ وَ اَكْتُبْنَا لَكَ

و نعمتهای خود را بر ما کامل گردان و عطایت را بر ما گوارا کن و نام ما را در زمره
شَاكِرِينَ وَ لَا لِاتِكَ ذَاكِرِينَ اَمِينَ اَمِينَ رَبَّ اَعْلَى اَلْمَیْنِ اَللَّهُمَّ يَا مَنْ
سپاسگزارانت بنویس و هم جزء یادکنندگان نعمتهایت آمین آمین ای پروردگار جهانیان خدایا ای که

مَلِكٌ قَدَرٌ وَ قَدَرٌ فَقَهَرٌ وَ عُصَى قَسَرَ وَ اسْتَغْفَرَ فَغَفَرَ

مالک آمد و توانا، و توانا است و قاهر و نافرمانی شد ولی پوشاند و آمرزشش خواهند و آمرزد

يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاعِينَ وَ مُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا

ای کمال مطلوب جویندگان مشتاق و منتهای آرزوی امیدواران ای که دانشش بهر چیز احاطه دارد

وَ وَسِعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ حِلْمًا اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ

و رأفت و مهر و بردباریش توبه جویان را فرا گرفته خدایا ما رو به درگاه تو آوریم

فِي هَذِهِ الْعَشِيَةِ الَّتِي شَرَفْتَهَا وَ عَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ رَسُولِكَ

در این شبی که آنرا شرافت و بزرگی دادی بوسیله محمد پیامبرت و فرستادهات

وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ آمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّراجِ الْمُنِيرِ

و برگزیدهات از آفریدگان و امین تو بر وحیت آن مژده دهنده و ترساننده و آن چراغ تابناک

الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَ جَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ

آنکه بوسیله‌اش بر مسلمانان نعمت بخشیدی و رحمت عالمیان قرارش دادی

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِدَلِكِ مِنْكَ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد چنانچه محمد نزد تو شایسته آنست

يَا عَظِيمُ فَصِّلْ عَلَيْهِ وَ عَلَى الْإِلَهِ الْمُتَجَبِّينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ

ای خدای بزرگ پس درود فرست بر او و بر آل برگزیده پاک و پاکیزه‌اش همگی

وَ تَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا فَإِلَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ

و بپوشان ما را به گذشت خود زیرا صداها با انواع مختلف لغتهایشان (و هرکس به زبانی ناله‌اش) بسوی

تو بلند است

فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَةِ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ

پس ای خدا برای ما قرار ده در این شام بهره‌ای از هر خیری که میان بندگان تقسیم فرمایی

وَ نُورٍ تَهْدِي بِهِ وَ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَ بَرَكَهٍ تُنْزِلُهَا وَ عَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا

و نوری که بدان هدایت فرمایی و رحمتی که بگستری آنرا و برکتی که نازلش کنی و عافیتی که

بپوشانی

وَ رِزْقٍ تَبْسُطُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ أَقْلِبْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ

و روزی و رزقی که پهن کنی ای مهربانترین مهربانان خدایا برگردان ما را در این هنگام

مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْفَانِطِينَ

پیروزمند و رستگار و پذیرفته و بهره‌مند و از ناامیدان قرارمان مده

وَ لَا تُخَلِّنا مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لَا تُخْرِمْنا مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ

و از رحمتت دست خالیمان مفرما و محرومان مکن از آنچه از فضل تو آرزومندیم

وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ وَ لَا لِفضْلِ مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطَايِكَ قَانِطِينَ

و جزء محرومان رحمتت قرارمان مده و نه ناامیدمان کن از آن زیادی عطایت که آرزومندیم

وَلَا تُرَدُّنَا خَائِبِينَ وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ يَا أَجُودَ

و ناکام بازمان مگردان و از درگاهت مطرود و رانده مان مکن ای بخشنده‌ترین
الْأَجُودِينَ وَ أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ وَ لَبِيتَكَ الْحَرَامَ آمِينَ قاصِدِينَ
بخشنندگان و کریم‌ترین کریمان ما با یقین به درگاه تو رو آوردیم و به آهنگ (زیارت) خانه محترم تو
(کعبه بدینجا) آمدیم

فَاعِنَّا عَلَى مَنَاسِكِنَا وَ اكْمِلْ لَنَا حَجَّنا وَ اعْفُ عَنَّا

پس کمک ده ما را بر انجام مناسک حج و حجامان را کامل گردان و از ما درگذر
وَ عَافِنَا فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِينَا فَهِيَ بِذَلِكَ الْإِعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ
و تندرستمان دار زیرا که ما بسوی تو دو دست (نیاز) دراز کرده‌ایم و آن دستها چنان است که به خواری
اعتراف به گناه نشاندار شده

اللَّهُمَّ فَاعْظِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَلَّلْنَاكَ وَ اكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ

خدایا در این شام به ما عطا کن آنچه را از تو خواسته‌ایم و کفایت کن از ما آنچه را از تو کفایت آنرا
خواستیم زیرا کفایت کننده‌ای جز تو نداریم

وَ لَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ نَافِذٌ فِينَا حُكْمُكَ مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ عَدْلٌ

و پروردگاری غیر از تو برای ما نیست تویی که فرمانت درباره ما نافذ و دانشت به ما احاطه دارد

فِينَا قَضَاؤُكَ أَقْضَى لَنَا الْخَيْرَ وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا

و حکمی که درباره ما فرمایی از روی عدالت است خدایا خیر و نیکی برای ما مقرر کن و از اهل خیر
قرارمان ده خدایا واجب گردان برای ما

بِجُودِكَ عَظِيمِ الْأَجْرِ وَ كَرِيمِ الذُّخْرِ وَ دَوَامِ الْيُسْرِ وَ اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ

از آن جودی که داری پاداشی بزرگ و ذخیره‌ای گرامی و آسایشی همیشگی و بیامرز گناهان ما
را همگی

وَ لَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ وَ لَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَ رَحْمَتَكَ

و در زمره هلاک شدگان بدست هلاکتمان مسپار و مهر و رأفت را از ما باز مگردان

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَاعْطَيْتَهُ

ای مهربان‌ترین مهربانان خدایا قرارمان ده در این وقت از آن کسانی که از تو درخواست کرده و
بدیشان عطا فرموده‌ای

وَ شَكَرَكَ فَزِدْتَهُ وَ تَابَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ وَ تَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا

و شکر تو را بجا آورده و تو نعمت را بر آنها افزون کرده و بسویت بازگشته و تو پذیرفته‌ای و از
گناهان بسوی

فَغَفَرْنَا لَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْأَكْرَامِ اللَّهُمَّ وَ نَقْنَا وَ سَدَّدْنَا

تو بیرون آمده و تو همه را آمرزیده‌ای ، ای صاحب جلالت و بزرگواری خدایا ما را پاکیزه و (در
دین) محکمان گردان

وَاقْبَلْ تَضَرُّعَنَا يَا خَيْرَ مَنْ سُلِّ وَ يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْحِمَ يَا مَنْ لَا يَخْفَى
وتضرع و زاریمان بپذیر ای بهترین کسی که از او درخواست شود وای مهربانترین کسی که از او مهر
خواهند ای که بر او پوشیده نیست

عَلَيْهِ إِغْمَاضُ الْجُفُونِ وَلَا لَحْظُ الْعُيُونِ وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكُونِ
بهم نهادن پلکهای چشم و نه بر هم خوردن دیدگان و نه آنچه در مکنون ضمیر مستقر گردیده
و لَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضَمَّرَاتُ الْقُلُوبِ إِلَّا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ
و نه آنچه در پرده دلها نهفته است آری تمام آنها را دانش تو شماره کرده
و وَسِعَهُ حِلْمُكَ سُبْحَانَكَ وَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا
و بردباریت همه را در برگرفته است منزهی تو و برتری از آنچه ستمکاران گویند برتری بسیاری،
تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُونَ وَ مَنْ فِيهِنَّ وَ إِنَّ مِنْ شَيْءٍ
تنزیه کنند تو را آسمانهای هفتگانه و زمینها و هر که در آنها است و چیزی نیست
إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ فَلِكَا الْحَمْدُ وَ الْمَجْدُ وَ عُلُوُّ الْجَدِّ يَا ذَا الْجَلَالِ
جز آنکه به ستایش تو تسبیح کند پس تو را است ستایش و بزرگواری و بلندی رتبه، ای صاحب جلالت
وَ الْأَكْرَامِ وَ الْفَضْلِ وَ الْإِنْعَامِ وَ الْإِيَادِي الْجِسَامِ وَ أَنْتَ الْجَوَادُ
و بزرگواری و فضل و نعمت بخشی و موهبتهای بزرگ و تویی بخشنده
الْكَرِيمُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ
بزرگوار رووف و مهربان خدایا فراخ گردان بر من از روزی حلال خود
وَ عَافِنِي فِي بَدَنِي وَ دِينِي وَ أَمِنْ خَوْفِي وَ أَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ
و عافیتم بخش در تن و هم در دینم و ترسم را امان بخش و از آتش دوزخ آزادم کن
اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي وَ لَا تَخْدَعْ عَنِّي وَ اذْرَعْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ
خدایا مرا به مکر خود دچار مساز و در غفلت تدریجی بسوی نابودی مبر و فریبم مده و شر
تبهکاران جن و انس را از من دور کن

پس سر و دیده خود را بسوی آسمان بلند کرد و از دیده‌های مبارکش آب می‌ریخت مانند دو مشک و
صدای بلند گفت:

يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
ای شنواترین شنوندگان ای بیناترین بینایان و ای سریعترین حساب رسان و ای مهربانترین مهربانان
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي
درود فرست بر محمد و آل محمد آن آقایان فرخنده و از تو ای خدا درخواست کنم حاجتم را
الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَ إِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا

که اگر آنرا به من عطا کنی دیگر هرچه را از من دریغ کنی زیانم نزند و اگر آنرا از من دریغ داری دیگر سودم ندهد هرچه

أَعْطَيْتَنِي أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

به من عطا کنی و آن این است که از تو خواهم مرا از آتش دوزخ آزاد گردانی معبودی جز تو نیست یگانه‌ای که شریک نداری

لَكَ الْمُلْكُ وَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبُّ يَا رَبُّ

از تو است فرمانروایی و از تو است ستایش و تویی که بر هرچیز توانایی ای پروردگار ای پروردگار

پس مکرر می‌گفت یا رَبُّ و کسانی که دور آن حضرت بودند تمام گوش داده بودند به دعاء آن حضرت و اکتفا کرده بودند به آمین گفتن

پس صداهایشان بلند شد به گریستن با آن حضرت تا غروب کرد آفتاب و بارکردند و روانه جانب مشعرالحرام شدند مؤلف گوید که کفعمی دعاء عرفه امام حسین(ع) را در بلدالامین تا اینجا نقل فرموده و علامه مجلسی در زاد المعاد این دعای شریف را موافق روایت کفعمی ایراد نموده و لکن سید بن طاووس در اقبال بعد از یا رَبُّ یا رَبُّ این زیادتیی را ذکر فرموده:

إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي

خدا من چنانم که در حال توانگری هم فقیرم پس چگونه فقیر نباشم در حال تهیدستیم

إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهُولًا فِي جَهْلِي

خدایا من نادانم در عین دانشمندی پس چگونه نادان نباشم در عین نادانی

إِلَهِي إِنَّ اخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ وَسُرْعَةَ طَوَّاءِ مَقَادِيرِكَ مَنَعَا

خدایا برآستی اختلاف تدبیر تو و سرعت تحول و پیچیدن در تقدیرات تو جلوگیری کنند

عِبَادُكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنْ السُّكُونِ إِلَى عَطَاءٍ وَ الْيَائِسِ مِنْكَ فِي بَلَاءٍ

از بندگان عارف تو که به عطایت دل آرام و مطمئن باشند و در بلای تو مأیوس و ناامید شوند

إِلَهِي مَنِّي مَا يَلِيقُ بِلُؤْمِي وَمِنْكَ مَا يَلِيقُ بِكَرَمِكَ

خدایا از من همان سرزند که شایسته پستی من است و از تو انتظار رود آنچه شایسته بزرگواری تو است

إِلَهِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وَجُودِ ضَعْفِي أَفَتَمْنَعُنِي مِنْهُمَا بَعْدَ وَجُودِ ضَعْفِي

خدایا تو خود را به لطف و مهر به من توصیف فرمودی پیش از آنکه ناتوان باشم آیا پس از ناتوانیم لطف و مهرت را از من دریغ می‌داری

إِلَهِي إِنْ ظَهَرَتِ الْمَحَاسِنُ مِنِّي فَبِفَضْلِكَ وَلَكَ الْإِيْمَةُ عَلَيَّ

خدایا اگر کارهای نیک از من سرزند به فضل تو بستگی دارد و تو را منتی است بر من

وَإِنْ ظَهَرَتِ الْمَسَاوِي مَنِّي فَبِعَدْلِكَ وَ لَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ

و اگر کارهای بد از من روی دهد آن هم بستگی به عدل تو دارد و تو را بر من حجت است

إِلَهِي كَيْفَ تَكِلْنِي وَقَدْ تَكَفَّلْتَ لِي وَ كَيْفَ أَضَامُ وَأَنْتَ النَّاصِرُ لِي

خدایا چگونه مرا وامی گذاری در صورتی که کفایت کردی و چگونه مورد ستم واقع گردم با اینکه تو یاور

منی

أَمْ كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ الْخَفِيُّ بِي هَا أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ

یا چگونه ناامید گردم در صورتی که تو نسبت به من مهربانی هم اکنون به درگاه تو

توسل جویم بوسیله آن نیازی که به درگاهت دارم

وَ كَيْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مُحَالٌ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ

و چگونه توسل جویم بوسیله فقری که محال است پیرامون تو راه یابد

أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي وَ هُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ

یا چگونه از حال خویش به درگاهت شکوه کنم با اینکه حال من بر تو پنهان نیست

أَمْ كَيْفَ أَتَرْجِمُ بِمَقَالِي وَ هُوَ مِنْكَ بَرَزٌ إِلَيْكَ

یا چگونه با زبان (قال) ترجمه حال خود کنم در صورتی که آنهم از پیش تو بُروز کرده به نزد

خودت

أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ أَمَالِي وَ هِيَ قَدْ وَ قَدَتْ إِلَيْكَ أَمْ كَيْفَ لَا تُحْسِنُ أَحْوَالِي وَ بِكَ قَامَتْ

یا چگونه آرزوهایم به نومیدی گراید با اینکه به آستان تو وارد شده یا چگونه احوالم را نیکو نکنی با

اینکه احوال من به تو قائم است

إِلَهِي مَا أَلْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي وَ مَا أَرْحَمَكَ بِي مَعَ قَبِيحِ فِعْلِي

خدایا چه اندازه به من لطف داری با این نادانی عظیم من و چقدر به من مهر داری با این کردار

زشت من

إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَ أَبْعَدَنِي عَنْكَ وَ مَا أَرَأَفَكَ بِي

خدایا چقدر تو به من نزدیکی و در مقابل چقدر من از تو دورم و با اینهمه که تو نسبت به من

مهربانی

فَمَا الَّذِي يَحْجُبُنِي عَنْكَ إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ وَ تَنَقُّلاتِ الْأَطْوَارِ

پس آن چیست که مرا از تو محجوب دارد خدایا آن طوری که من از روی اختلاف آثار و تغییر و تحول

اطوار بدست آورده‌ام

أَنْ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ

مقصود تو از من آنست که خود را در هر چیزی (جداگانه) به من بشناسانی تا من در هیچ

چیزی نسبت به تو جاهل نباشم

إِلَهِي كُلَّمَا أَخْرَسَنِي لُؤْمِي أَنْطَقَنِي كَرَمُكَ

خدایا هر اندازه پستی من زبانم را لال می کند کرم تو آنرا گویا می کند

وَكُلَّمَا أَيَسْتَنِي أَوْصَافِي أَطْمَعْتَنِي مِّنْكَالِهِي مَن كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي

و هر اندازه اوصاف من مرا مأیوس می کند نعمتهای تو به طمعم اندازد خدایا آنکس که کارهای خوبش کار بد باشد

فَكَيْفَ لَا تَكُونُ مَسَاوِيهِ مَسَاوِي وَمَن كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي

پس چگونه کار بدش بد نباشد و آنکس که حقیقت گویی هایش ادعایی بیش نباشد

فَكَيْفَ لَا تَكُونُ دَعَاوِيهِ دَعَاوِي إِلَهِي حُكْمُكَ النَّافِذُ وَ مَشِيَّتُكَ الْقَاهِرَةُ لَمْ

پس چگونه ادعاهایش ادعا نباشد خدایا فرمان نافذت و مشیت قاهرت برای هیچ گویندهای فرصت

يَتْرُكَ لِي مَقَالَ مَقَالًا وَ لِإِذِي حَالٍ حَالًا إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنِيَّتْهَا

گفتار نگذارد و برای هیچ صاحب حالی حس و حال به جای نهد خدایا چه بسیار طاعتی که (پیش خود) پایه گذاری کردم

وَ حَالِهِ شَيْدَتْهَا هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَدْتُكَ بَلْ أَقَالَنِي مِنْهَا فَضْلُكَ

و چه بسیار حالتی که بنیادش کردم ولی (یاد) عدل تو اعتمادی را که بر آنها داشتم یکسره فروریخت بلکه فضل تو نیز اعتمادم را بهم زد

إِلَهِي إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي وَ إِن لَمْ تَدُمْ الطَّاعَةَ مِنِّي فِعْلًا جَزْمًا فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةٌ وَ عَزْمًا

خدایا تو می دانی که اگر چه طاعت تو در من بصورت کاری مثبت ادامه ندارد ولی دوستی و تصمیم بر انجام آن در من ادامه دارد

إِلَهِي كَيْفَ أَعَزَّمُ وَ أَنْتَ الْقَاهِرُ وَ كَيْفَ لَا أَعَزَّمُ وَ أَنْتَ الْأَمْرُ

خدایا چگونه تصمیم گیرم در صورتی که تحت قهر توام و چگونه تصمیم نگیرم با اینکه تو دستورم دهی

إِلَهِي تَرَدَّدِي فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةٍ تُوصِلُنِي إِلَيْكَ

خدایا تفکر (یا گردش) من در آثار تو راه مرا به دیدارت دور سازد پس کردار مرا با خودت بوسیله خدمتی که مرا به تو برساند

كَيْفَ يُسَدِّلُ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ

چگونه استدلال شود بر وجود تو به چیزی که خود آن موجود در هستیش نیازمند به تو است

أَيَكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ

و آیا اساساً برای ما سواي تو ظهوری هست که در تو نباشد تا آن وسیله ظهور تو گردد

مَتَى غِبْتَ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ

تو کی پنهان شده ای تا محتاج بدلیلی باشیم که به تو راهنمائی کند

وَ مَتَى بَعُدْتَ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ

و چه وقت دور مانده ای تا آثار تو ما را به تو واصل گرداند

عَمِيَّتْ عَيْنٌ لَا تَرَاكَ عَلَيْهَا رَقِيبًا وَ خَسِرَتْ صَفْقَةُ عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيبًا

کور باد آن چشمی که تو را نبیند که مراقب او هستی و زیان کار باد سودای آن بنده که از محبت خویش به او بهره ای ندادی

إِلَهِي أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْآثَارِ فَأَرْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكَسْوَةِ الْأَنْوَارِ وَهِدَايَةِ الْإِسْتِبْصَارِ

خدایا فرمان دادی که به آثار تو رجوع کنم پس بازم گردان بسوی خود (پس از مراجعه به آثار) به پوششی از انوار و راهنمایی و از بینش جوئی

حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا مَصُونٌ السِّرِّ عَنِ النَّظَرِ إِلَيْهَا

تا بازگردم بسویت پس از دیدن آثار هم چنانکه آمدم بسویت از آنها که نهادم از نظر به آنها مصون مانده

وَمَرْفُوعَ أَلِھِمَّہِ عَنِ الْأَعْتِمَادِ عَلَيْهَا إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و همتم را از اعتماد بدانها برداشته باشم که برآستی تو بر هر چیز توانائی

إِلَهِي هَذَا ذُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَهَذَا حَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ

خدایا این خواری من است که پیش رویت عیان و آشکار است و این حال (تباه) من است که بر تو پوشیده نیست

مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ

از تو خواهم که مرا به خود برسانی و بوسیله ذات تو بر تو دلیل می جویم

فَاهْدِنِي بُنُورَكَ إِلَيْكَ وَاقْمِنِي بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ

پس به نور خود مرا بر ذات راهنمائی فرما و به یادآور مرا با بندگی صادقانه در پیش رویت

إِلَهِي عَلَّمَنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ وَصُنِّي بِسِتْرِكَ الْمَصُونِ

خدایا بیاموز به من از دانش مخزون و محفوظم دار به پرده مصون

إِلَهِي حَقَّقْنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ وَاسْلُكْ بِي مَسْلَكَ أَهْلِ الْجَذْبِ

خدایا مرا به حقائق نزدیکان درگاهت بیارای و به راه اهل جذبه و شوق ببر

إِلَهِي أَغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ تَدْبِيرِي وَبِاخْتِيَارِكَ عَنِ اخْتِيَارِي وَأَوْقِفْنِي عَلَى مَرَاكِزِ اضْطِرَارِي

خدایا بی نیاز کن مرا به تدبیر خودت در بارهام از تدبیر خودم و به اختیار خودت از اختیار خودم و بر جاهای بیچارگی و درماندگیم مرا واقف گردان

إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي وَطَهِّرْنِي مِنْ شَرِّ شَرَكِي قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي

خدایا مرا از خواری نفسم نجات ده و پاکم کن از شک و شرک خودم پیش از آنکه داخل گورم گردم

بِكَ أَنْتَصِرُ فَأَنْصُرْني وَعَلَيْكَ اتَّوَكَّلُ فَلَا تَكِلْنِي

به تو یاری جویم پس تو هم یاریم کن و بر تو توکل کنم پس مرا وامگذار

وَإِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلَا تُخَيِّبْنِي وَفِي فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلَا تَحْرِمْنِي

و از تو درخواست کنم پس ناامیدم مگردان و در فضل تو رغبت کرده‌ام پس محرومم مفرما

وَبِحَبَابِكَ أَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنِي وَبِبَابِكَ أَقِفُ فَلَا تَطْرُدْنِي

و به حضرت تو خود را بسته‌ام پس دورم مکن و به درگاه تو ایستاده‌ام پس طردم مکن

إِلَهِي تَقَدَّسَ رِضَاكَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّي

خدایا مبراً است خوشنودی تو از اینکه علت و سببی از جانب تو داشته باشد پس چگونه ممکن است من سبب آن گردم

إِلَهِي أَنْتَ الْغَنِيُّ بِذَاتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَنِيًّا عَنِّي

خدایا تو به ذات خود بی نیازی از اینکه سودی از جانب خودت به تو برسد پس چگونه از من بی نیاز نباشی

إِلَهِي إِنَّ الْقَضَاءَ وَالْقَدَرَ يُمَنِّينِي وَإِنَّ الْهَوَى بِوَتَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسْرَنِي

خدایا براستی قضا و قدر مرا آرزومند می کنند و از آن سو هوای نفس مرا به بندهای شهوت اسیر کرده

فَكُنْ أَنْتَ النَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي وَتُبَصِّرَنِي

پس تو یاور من باش تا پیروزم کنی و بینایم کنی

وَاعْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَغْنِيَ بِكَ عَنْ طَلْبِي

و بوسیله فضل خویش بی نیازم گردانی تا بوسیله تو از طلب کردن بی نیاز شوم

أَنْتَ الَّذِي أَسْرَفْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ حَتَّى عَرَفُوكَ وَوَحَّدُوكَ

توئی که تاباندی انوار (معرفت) را در دل اولیاءت تا اینکه تو را شناختند و یگانه‌ات دانستند

و أَنْتَ الَّذِي أَزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ حَتَّى لَمْ يُحِبُّوا سِوَاكَ وَ لَمْ يَلْجَأُوا إِلَى غَيْرِكَ

و توئی که اغیار و بیگانگان را از دل دوستانت براندی تا اینکه کسی را جز تو دوست نداشته و به غیر تو پناهنده و ملتجی نشوند

أَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشَتْهُمْ الْعَوَالِمُ وَ أَنْتَ الَّذِي

و توئی مونس ایشان در آنجا که عوالم وجود آنها را به وحشت اندازد و توئی که

هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَ لَهُمُ الْمَعَالِمُ مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ

راهنمائیشان کنی آنگاه که نشانه‌ها برایشان آشکار گردد چه دارد آنکس که تو را گم کرده؟

وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا

و چه ندارد آنکس که تو را یافته است براستی محروم است آنکس که بجای تو بدیگری راضی شود

و لَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغَى عَنْكَ مَتَحَوَّلًا كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ وَ أَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ

و بطور حتم زیانکار است کسی که از تو به دیگری روی کند چسان می‌شود بغیر تو امیدوار بود در صورتی که تو احسانت را قطع نکردی

وَ كَيْفَ يُطَلَّبُ مِنْ غَيْرِكَ وَ أَنْتَ مَا بَدَّلْتَ عَادَةَ الْأَمْتِنَانِ

و چگونه از غیر تو می‌توان طلب کرد با اینکه تو تغییر نداده‌ای شیوه عطابخشیت را

يَا مَنْ أَذَاقَ أَحِبَّائَهُ حَلَاوَةَ الْمُوَاسَّهِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ

ای خدائی که به دوستانت شیرینی همدمی خود را چشاندی و آنها در برابرت به چاپلوسی برخاستند

وَ يَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَائَهُ مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ

و ای خدائی که پوشاندی بر اولیاء خود خلعت‌های هیبت خود را پس آنها در برابرت به آمرزش خواهی بپاخواستند

أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ الذَّاكِرِينَ وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ

توئی که یاد کنی پیش از آنکه یاد کنندگان یادت کنند و توئی آغازنده به احسان قبل از آنکه پرستش کنندگان بسویت توجه کنند

وَأَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلَبِ الطَّالِبِينَ وَأَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا مِنَ الْمُسْتَقْرَضِينَ

و توئی بخشنده عطا پیش از آنکه خواهندگان از تو خواهند و توئی پربخشش و سپس همان را که به ما بخشیده‌ای از ما به قرض می‌خواهی

إِلَهِي أَطْلُبُنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ

خدایا مرا بوسیله رحمتت بطلب تا من به نعمت وصال نائل گردم

وَاجْذِبْنِي بِمَنَّكَ حَتَّى أَقْبِلَ عَلَيْكَ إِلَهِي إِنَّ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ

و بوسیله نعمتت مرا جذب کن تا به تو رو کنم خدایا برآستی امید من از تو قطع نگردد و اگرچه

وَإِنْ عَصَيْتُكَ كَمَا أَنْ خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ فَقَدْ دَفَعْتَنِي

نافرمانیت کنم چنانکه ترسم و از تو زائل نشود و گرچه فرمانت برم همانا جهانیان مرا بسوی تو رانده‌اند

الْعَوَالِمُ إِلَيْكَ وَقَدْ أَوْفَعَنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ

و آن علمی که به کرم تو دارم مرا به درگاه تو آورده

إِلَهِي كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ أَمَلِي أَمْ كَيْفَ أَهَانُ وَعَلَيْكَ مُتَكَلِّي

خدایا چگونه نومید شوم و تو آرزوی منی و چگونه پست و خوار شوم با اینکه اعتمادم بر تو است

إِلَهِي كَيْفَ أَسْتَعِزُّ وَفِي الدَّلَّةِ أَرْكَزْتَنِي أَمْ كَيْفَ لَا أَسْتَعِزُّ وَإِلَيْكَ نَسَبْتَنِي

خدایا چگونه عزت جویم با اینکه در خواری جایم دادی و چگونه عزت نجویم با اینکه به خود منتسبیم کردی

إِلَهِي كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ أَقَمْتَنِي أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُ

خدایا چگونه نیازمند نباشم با اینکه تو در نیازمندانم جای دادی یا چگونه نیازمند باشم

وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ أَغْنَيْتَنِي وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ فَمَا جَهْلَكَ شَيْءٌ

و توئی که به جود و بخشش بی‌نیازم کردی و توئی که معبودی جز تو نیست شناساندی خود را به هر چیز و هیچ چیزی نیست که تو را نشناسد

وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَرَأَيْتُكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ

و توئی که شناساندی خود را به من در هر چیز و من تو را آشکار در هر چیز دیدم

وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَانِيَّتِهِ

و توئی آشکار بر هر چیز ای که بوسیله مقام رحمانیت خود (بر همه چیز) احاطه کردی

فَصَارَ الْعَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ مَحَقَّتْ الْأَثَارَ بِالْأَثَارِ

و عرش در ذاتش پنهان شد توئی که آثار را به آثار نابود کردی

وَمَحَوْتَ الْأَغْيَارَ بِمُحِيطَاتِ أَفْلَاكِ الْأَنْوَارِ يَا مَنْ اخْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ

و اغیار را به احاطه کننده‌های افلاک انوار محو کردی ای که در سراپرده‌های عرشش محتجب شد

عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ [مِنْ] الْأَسْتِوَاءِ

از اینکه دیده‌ها او را درک کنند ای که تجلی کردی به کمال زیبائی و نورانیت و پابرجا شد عظمتش از استواری

كَيْفَ تَخْفَى وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَ أَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ

چگونه پنهان شوی با اینکه تو آشکاری یا چگونه غایب شوی که تو نگهبان و حاضری

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ

براستی تو بر هر چیز توانائی و ستایش مخصوص خدا است تنها

و بالجمله کسی که توفیق یابد و این روز را در عرفات باشد ادعیه و اعمال بسیار دارد و بهترین اعمال در این روز دعا است و در تمام ایام سال این روز شریف به جهت دعا امتیازی دارد و دعا از برای برادران مؤمن از زنده و مرده بسیار باید کرد و روایت وارده درحال عبدالله بن جندب رَحِمَهُ اللَّهُ در موقف عرفات و دعای او برای برادران مؤمن خود مشهور است و روایت زید نرسی در حال ثقه جلیل القدر معاویه بن وهب در موقف و دعای او در حقّ یک یک از اشخاصی که در آفاق بودند و روایت او از حضرت صادق علیه السلام در فضیلت این کار شایسته ملاحظه و دیدار است و رجاء واثق از برادران دینی آنکه اقتدا به این بزرگواران نموده و مؤمنین را در دعا بر خود ایثار نموده و این گنه کار روسیاه رایکی از آن اشخاص شمرده و در حال حیات و ممات از دعای خیر فراموشم نفرمایند و بخوان در این روز زیارت جامعه سّوم را و در آخر روز عرفه بخوان :

يَا رَبِّ اِنَّ ذُنُوبِي لَا تَضُرُّكَ وَ اِنَّ مَغْفِرَتَكَ لِي لَا تَنْقُصُكَ

پروردگارا همانا گناهان من زیانی به تو نزند و محققاً آمرزش تو از من نقصانی به تو نرساند

فَاعْطِنِي مَا لَا يَنْقُصُكَ وَ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ

پس عطا کن به من آنچه را نقصانت نرساند و بیامرز برایم آنچه را زیانت نزند و ایضا بخوان :

اَللّٰهُمَّ لَا تَحْرِمْنِيْ خَيْرَ مَا عِنْدَكَ لِشَرِّ مَا عِنْدِيْ

خدایا محروم مکن از آن خیری که نزد تو است بخاطر آن شری که در پیش من است

فَاِنَّ اَنْتَ لَمْ تَرْحَمْنِيْ بِتَعَبِيْ وَ نَصَبِيْ فَلَا

پس اگر تو به رنج و خستگیم رحم نمی کنی پس

تَحْرِمْنِيْ اَجْرَ الْمُصَابِ عَلٰی مُصِيبَتِهِ

محروم مدار از پاداش مصیبت دیده‌ای بر مصیبتش

التماس دعا

telegram.me/seyedrezanarimani